

## اشتباه

محمود آقا و عیال از مهمانی برمی گشتند. عیال رو کرد به محمود آقا و گفت: به نظرم صاحبخونه زیاد از دیدن ما خوشحال نشد.

محمود آقا نگاهی به عیال انداخت و گفت: نه خانوم اشتباه می کنی، مگه ندیدی وقتی که وارد شدیم چقدر عبوس بودند ولی موقع خداحافظی چه خوشحال و خندون بودند!!



پدر با ناراحتی در حالی که اخم کرده بود دست به کمر زد و رو کرد به پسر بازیگوشش و گفت:

بچه مگه از دیروز قرار نشد روزی دویست تومن از من بگیری که آروم باشی؟ امروز که داری دو برابر شلوغ می کنی!

پسر بچه با پرونی گفت: چرا آقا چون ولی آخه من امروز چهار صد تومن لازم دارم نه دویست تومن!!!



## اجازه

مأمور شکاربانی آهسته به آقا منوچهر که با تفنگ نشانه رفته بود و مشغول شکار بود نزدیک شد و گفت:

ببینم آقای عزیز شما اجازه شکار دارید؟

آقا منوچهر سرش رو بر گردوند و گفت: به، خیلی مخلصم قربان، والله، اجازه شکار که نه، ولی خوب از اون مهمتر از خانومم اجازه گرفتیم!!!

## وقتی مننده



تنظیم و کاریکاتور:  
آرش عادلی

BY: ARASH-ADELI  
aadel1101@yahoo.com

# به سلامتی!

\* به سلامتی دریاچه اورمیه...  
نه بخاطر اینکه مظلوم هست  
به خاطر اینکه هیچ وقتی اجازه نداد کسی  
توش غرق بشه...

\* به سلامتی کسی که وقتی بُردم گفت:  
اون رفیق منه...  
وقتی باختم گفت: من رفیقتم...

\* به سلامتی نیمکت آخر کلاس که زمانی عالمی داشتیم...

\* به سلامتی اون قدیما وقتی بچه بودیم غم بود، ولی کم بود...

\* به سلامتی اونایی که درد دل همه رو گوش میدن  
اما معلوم نیست خودشون کجا درد دل می کنن...

\* به سلامتی اونایی که به ظاهر آرومن  
ولی توی دلشون سونامی هست

\* به سلامتی همه اونایی که خطشون اعتباریه  
ولی معرفتشون دائمیه!

\* کمپوت باز کردیم بخوریم  
به مامانم میگم: مامان فکر کنم مزش عوض شده...میگه: آره  
میگم: بریزمش دور؟  
میگه: نه بزار تو یخچال بابات میاد میخوره!!!!  
به سلامتی همه باباها....

\* اولی: می دونستی درحرفاری های نزدیک  
شهر ما یه تکه سیم مربوط به ۳۰۰ سال  
پیش پیدا می کنند؟

دومی: خوب که چی؟  
اولی: یعنی اینکه شهر ما ۳۰۰ سال  
پیش تلگراف داشته!

دومی: اینکه چیزی نیست، تو حرفاری های  
نزدیک شهر ما هر چی گشتند هیچی  
پیدا نکردند!

اولی با خنده: زکی، یعنی که چی؟  
دومی: یعنی که ما تو شهرمون ۳۰۰  
سال پیش موبایل داشتیم داداش!!!!



\* به سلامتی اونایی که خدا رو با گول چراغ جادو اشتباه گرفتن  
و وقتی آرزویی دارن یادش میفتن

\* به سلامتی اونایی که بی کس اند ولی ناکس نیستن..

\* به سلامتی همه باباهایی که  
رمز تموم کارت های بانکیشون شماره شناسنامشونه...!

\* به سلامتی مادر که خط چشمش را با عینک عوض کرد  
میهمانی های شبانه را با شب بیدار ماندن در کنار ما عوض کرد  
پول کیفش را با پوشک بچه عوض کرد.  
به سلامتی مادر... که همه چیز را با عشق عوض کرد!

\* به سلامتی کسی که دید تو تا کسی بغلیش پول نداره  
به راننده گفت: پول خورد ندارم کرایه همه رو حساب کن!

## ۳ لطیفه از دنیای خالی بندها !!!

\* اولی: من یه رفیق داشتم، آنقدر کوچک بود زنش توی انگشتونه برایش غذا می پخت!  
دومی: به، اینکه چیزی نیست، یه رفیق داشتم خدا رحمتش کنه، آنقدر کوچک بود که  
وقتی می خواست خودکشی کنه خودشو از لبه یه قالی پرت کرد پائین!!!

\* اولی: من نه ولخرجی می کنم، نه سیگار می کشم، نه قمار می کنم و نه شب زنده داری.

دومی: پس تو مخلوق بی عیب خدا هستی!

اولی: آنقدرها هم بی عیب نیستم، یه عیب کوچولو دارم.

دومی: عجب! حالا این عیبت چی هست؟

اولی: زیادی دروغ میگم!!!